

گفت‌وگو با جوانی که دختر مورد علاقه‌اش را به خاطر خیانت کشت

فرجام تلخ عشق اینستاگرامی



روزی که در اینستاگرام با لیلیا آشنا شد، تصور نمی‌کرد این آشنایی فرجام تلخی برای او داشته باشد و به عنوان قاتل روانه زندان شود. هیچ امیدی به بخشش اولیای دم ندارد و می‌داند به خط پایان زندگی‌اش نزدیک شده است. این هفته روبه‌روی قاتل عاشق پیشه نشستیم و او از انگیزه‌اش برای قتل دختر جوان گفت.

امیرعلی
حقیقت‌طلب
تپش

❖ با مقتول چطور آشنا شدی؟

من یک صفحه در اینستاگرام دارم و مطالب طنز در آن می‌گذارم. دختر جوانی همیشه زیر پست‌هایم کامنت می‌گذاشت و بعد از مدتی در دایرکت پیام داد و از من پرسید چطور می‌توانم شاخ مجازی شوم. به او راهکارهایی که بلد بودم آموزش دادم. بعد از آن ارتباطمان شکل گرفت و تا مدتی در اینستاگرام صحبت می‌کردیم. بعد از مدتی از او خواستم حضوری همدیگر را ببینیم که قبول کرد. در پارکی در تهران قرار گذاشتیم و یک ساعتی صحبت کردیم.

❖ همین قرار باعث شد عاشقش شوی؟

قبل از این ملاقات از او خوشم آمده بود، اما وقتی دیدمش بیشتر خوشم آمد و کم‌کم به او وابسته شدم. هر وقت از موضوعی عصبانی یا ناراحت بودم، کافی بود با او صحبت کنم تا آرام شوم. انگار رگ خواب مرا می‌دانست و می‌توانست آرام و البته وابسته‌ترم کند.

❖ خب این عشق چطور به جنون و قتل کشید؟

حدود شش ماه بعد از شروع ماجرا به طور اتفاقی متوجه شدم متاهل بوده و یک سال قبل از همسرش جدا شده است.

❖ چطور متوجه شدی؟

یک روز که به رستوران رفتیم، کیفش را روی میز گذاشت و به سرویس بهداشتی رفت. در کیف باز بود و شناسنامه‌اش دیده می‌شد. از سر کنج‌کاو آن را باز کردم و متوجه ماجرا شدم.

❖ به همین دلیل مرتکب قتل شدی؟

نه. من آن قدر عاشقش بودم که این موضوع زیاد برام مهم نبود. البته ناراحت بودم که چرا مخفی کرده، اما گذشته او به خودش مربوط بود و ارتباطی به من نداشت. چند روز بعد موضوع را به او گفتم که منکر نشد و ادعا کرد به خاطر این که نمی‌خواست مرا از دست

بدهد، این موضوع را مخفی کرده است.

❖ بعد چه شد؟

ماجرای آشنایی با لیلیا را به خانواده‌ام گفتم و خواستم به خواستگاری او بروند که قبول کردند. خیلی خوشحال با لیلیا قرار گذاشتم و موضوع خواستگاری را به او گفتم، اما برعکس تصور من خوشحال نشد و هر بار به بهانه‌ای خواستگاری را عقب می‌انداخت. این رفتارش مرا به شک انداخت. فکر کردم در خانواده‌اش مشکلی دارد و برای همین سعی می‌کند من با آنها روبه‌رو نشوم. تصمیم گرفتم تعقیبش کنم تا دلیل مخالفتش را متوجه شوم. بعد از حدود یک هفته متوجه ماجرای شدم که باورش برام سخت بود. یک روز غروب لیلیا بعد از خروج از شرکت، سوار خودروی مدل بالایی شد. آنها به رستورانی رفتند و شب تا دیروقت با هم بودند. پسر جوان را تعقیب کردم و وقتی مقابل خانه‌شان در شمال شهر رسید، سد راهش شدم و خواستم از زندگی لیلیا بیرون بروم که او مدعی شد قول و قرارهایشان را گذاشته‌اند و قرار است به زودی

بیرون آوردم و چند ضربه به او زدم. وقتی به خودم آمدم او غرق در خون روی زمین افتاده بود. از ترس فرار کردم. چند روز بعد ماموران مخفیگاهم را شناسایی و دستگیر کردند.

❖ کجا مخفی شدی؟

خانه دوستانم مخفی شده بودم. روزهای بدی بود و شب‌ها همیشه استرس داشتم. هر چند روز یک‌بار مخفیگاهم را تغییر می‌دادم تا پلیس نتواند ردم را بنزد. این اواخر تصور می‌کردم پلیس ماچرا را فراموش کرده و دیگر در تعقیب نیست. به همین علت ارتباطم را با خانواده‌ام بیشتر کردم که همین باعث شد دستگیر شوم. بعد از دستگیری برای اولین شب با خیال راحت خوابیدم.

❖ در این مدت خواب مقتول را ندیدی؟

نه، اما چند شب با کابوس اعدام از خواب بیدار شدم. خواب می‌دیدم خانواده مقتول پای چوبه دار ایستاده‌اند و منتظرند تا قاتل دخترشان قصاص شود.

❖ می‌دانی چه سرنوشتی در انتظار است؟

مطمئنم قصاص می‌شوم. خانواده مقتول رضایت نمی‌دهند و برای من قصاص خواسته‌اند.

❖ حرف آخر؟

اشتباه کردم. وقتی او مرا فراموش کرد و به عشقم بی‌تفاوت بود، نباید به خاطرش آینده خودم را تباہ می‌کردم. الان پشیمانی سودی ندارد و باید خودم را برای مجازات آماده کنم.

ازدواج کنند. حرف‌هایش مثل پتکی روی سرم فرود آمد. شب تا صبح نخوابیدم و صبح چند بار با لیلیا تماس گرفتم که جواب نداد. متوجه دیدار دیشب من با آن پسر شده بود.

سرانجام با او در یک پارک در شمال تهران قرار گذاشتم تا آخرین حرف‌ها را بزنیم. او هم به محل قرار آمد. با خودم چاقویی بردم. از او خواستم آن پسر را فراموش کند و با من ازدواج کند تا گناهش را ببخشم. اما او با وقاحت تمام در چشمانم نگاه کرد و گفت عاشق آن پسر شده است.

دیگر نفهمیدم چه می‌کنم. چاقورا از زیر لباسم

آسیب‌های روانی دوستی‌های اینترنتی

دلبستگی‌های به وجود آمده اینترنتی در دراز مدت ممکن است باعث سوءاستفاده افراد فرصت‌طلب شود و در تجربه این دوستی‌ها، فرصتی برای انتخاب و شناخت صحیح دختر و پسر از یکدیگر به وجود نمی‌آید. افراد در این گونه دوستی‌ها فقط ادعا می‌کنند ارتباطشان با انگیزه ازدواج است و این رابطه بیشتر بر عشق و رزی کور استوار است و عنصر خردورزی و عقلانیت در تصمیم‌گیری‌های اینچنینی وجود ندارد. دوستی‌های اینترنتی نه تنها مشکلی از پسران و دختران حل نمی‌کند، بلکه اگر هم این روابط به ازدواج بینجامد، در زندگی مشترک سوءظن و بی‌اعتمادی را برای دو طرف به همراه دارد. عمر این دوستی‌ها بسیار کوتاه است و آنچه در پی آن باقی می‌ماند تعارض فکری و احساسی دختران و پسران و از دست دادن اعتماد به نفس و به وجود آمدن بدبینی میان آنهاست. برای پیشگیری از چنین آسیب‌هایی باید خانواده‌ها به نقش حیاتی خود در برابر فرزندان آگاه شوند تا بتوانند الگوهای صحیح رفتاری را به فرزندان ارائه و آنها را در برابر آسیب‌های اجتماعی واکسینه کنند.

سرهنگ علی
نیک‌نفس
کارشناس فضای
مجازی

آگهی مناقصه عمومی

شماره ۱۴۰۰/م-ع-ش ۱ (نوبت اول)

شرکت فروشگاه‌های زنجیره ای نجم خاورمیانه در نظر دارد، جهت **شارژ کپسول‌های اطفاء حریق فروشگاه رشت از طریق برگزاری مناقصه عمومی و تبلیغات محیطی فروشگاه از طریق برگزاری مزایده عمومی برای مدت معین (یکساله) قرارداد منعقد نماید.** لذا از اشخاص حقیقی و حقوقی دعوت به عمل می‌آید از تاریخ درج آگهی لغایت ۱۴۰۰/۰۴/۱۵ از ساعت ۹ - ۱۶ به منظور دریافت اسناد شرکت در مناقصه مطروحه ضمن واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال (پنجاه هزار تومان) به حساب سپرده ۸۱۱۰۰۰۰۳۸۶۸۰۰۲، بانک پارسیان، شعبه لاکانی، در وجه شرکت فروشگاه‌های زنجیره‌ای نجم خاورمیانه، اصل رسید آن را تحویل دبیرخانه فروشگاه نموده و اسناد را دریافت نمایند. مهلت ارائه اسناد به فروشگاه از تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۶ لغایت ۱۴۰۰/۰۴/۲۳ می‌باشد. نشانی: رشت، سبزه میدان فروشگاه نجم خاورمیانه جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۳۳۲۶۴۵۵۹ داخلی ۲۰۲ تماس حاصل فرمایید.

فروشگاه نجم خاورمیانه «شعبه رشت»

کارت دانشجویی به شماره ۹۸۱۳۴۰۱۰۰۲ متعلق به عاطفه جهانپنده حاجی ابراهیم دهی فرزند حجبت به شماره ملی ۲۷۰۹۳۷۷۸۶۱ از دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی، کارت سوخت، بیمه‌نامه و شناسنامه موتورسیکلت جت رو تیپ ۱۲۵CDIT، مدل ۱۳۹۲، به رنگ مشکی، شماره انتظامی ۶۲۷-۹۷۲۵۸ شماره موتور NCWHA710959 شماره تنه NCW***125A9210630 به نام محسن همتی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و برگ سبز و سند قطعی و کلیه مدارک پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۸ رنگ سفید روغنی شماره موتور 14187036305 شماره شاسی NAAP03ED39J031983 شماره پلاک ۶۸۸ ق ۶۶ ایران ۵۶ به نام سجاد رحمتی فخرآبادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و کارت خودرو پژو ROA، مدل ۱۳۸۸، به رنگ نقره‌ای متالیک، شماره انتظامی ایران ۱۳-۸۴۹۷۵، شماره موتور 11687073847 شماره شاسی NAAB21AA59H043598 به نام رضا اصلانی‌فر مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.